

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

مرداد ماه ۱۳۹۴ اوت ۲۰۱۵

شماره ۱۰۹

toufan@toufan.org www.toufan.org

پذیرش تسلیم نامه خفتبار دروین و سرکوب معلمان در تهران



ابرشرکتهای بین المللی وارد ایران میشوند سخن بر سر غارت است و نه آبادانی ایران

خیانت «الکسیس سیپراس» و تشدید مبارزه طبقاتی در یونان



بیانیه "جنبش برای بازسازی حزب کمونیست یونان ۱۹۵۵-۱۹۱۸"

اعلامیه حزب کارایران (توفان)

ضرب و شتم و دستگیری در مراسم احمد شاملورا محکوم میکنیم

تسلیم خفت بار جمهوری اسلامی

درحاشیه توافق هسته ای وین

مصاحبه هئیت تحریریه توفان با حزب کارترکیه پیرامون انتخابات اخیر در ترکیه

یادی ازرفیق شاهرخ اسفراینی زندانی دو رژیم شاه و شیخ

گشت و گذاری در فیسبوک (پاسخ به چند سؤال)

پذیرش تسلیم نامه خفتبار دروین و سرکوب معلمان در تهران

همچنانکه در گذشته بارها در نشریات توفان حزب کار ایران مطرح کرده بودیم و قابل پیشبینی بود، بالاخره نمایندگان حاکمیت جمهوری اسلامی، با هدایت و تائید خامنه‌ای، با لبخند و گردن کج و کرنش و حقارت و ترس، به پای تسلیم نامه ننگین و خفتباروین در مسیر تبدیل ایران به نیمه مستعمره شدن، گام برداشته و با پذیرش قرارداد الحاقی در مقابل زورگوئی و اجحاف امپریالیستها به خاطر "حفظ نظام"، کرنش کرده و دستها را به علامت تسلیم بالا برده اند. این امری طبیعی است وقتی رژیم به مردم خود اتکاء ندارد و از مردم بیش از دشمن خارجی هراس دارد، برای بقاء خود و حفظ و تداوم منافع طبقاتیش حاضر است منافع ملی را زیر پا بگذارد و حلقه نوکری را به گردن بیاندازد. همان کاری که رژیم شاه و همه نوکران امپریالیستها در منطقه و سراسر کره زمین انجام داده و میدهند.

سؤال این است که آیا منافع امپریالیستها و تامین امنیت صهیونیستها در منطقه و منافع باندهای مافیائی غارتگر حاکم می تواند در راستای منافع کارگران و زحمتکشان شهر و روستا و اساساً منافع ملی مردم ایران باشد؟ پاسخ ما یک "نه" قاطعانه است.

تشدید سیاستهای نئولیبرالیستی اقتصادی که تا به حال در جهت منافع بورژوازی کلان تجاری، بورژوازی بروکرات و بانکداران و بورس بازان و صاحبان مستغلات و زمینخواران بوده از این به بعد در هماهنگی و غارت مشترک با سرمایه های امپریالیستی، زمینه های لازم را برای چپاول هر چه بیشتر ثروت و منابع ملی و تشدید استثمار نیروی کار ارزان در جهت افزایش نرخ سود سرمایه فراهم می کند.

طبق مفاد این سند، قرار شده است، ذخایر ارزی و طلای بلوکه شده ایران که مطابق سخنان اوباما ۱۵۰ میلیارد دلار است، طی هفت ماه به کشور بازگردانده شود. مقامات جمهوری اسلامی که در گذشته این مبلغ بلوکه شده را بین ۱۰۰ تا ۱۳۰ میلیارد دلار اعلام کرده بودند، هم اکنون آنرا فقط ۲۹ میلیارد دلار اعلام می کنند که نشاندهنده این امر است که هنوز پول مردم به کشور باز نگشته برای آن کیسه دوخته و قصد ملاخور کردنش را دارند.

بازگشت ذخائر بلوکه شده ایران و لغو تحریمها و باز شدن درهای کشور به روی انحصارات امپریالیستی، هیچکدام باعث نخواهد شد که تغییر و تحولی مثبت چه در عرصه اقتصادی و چه در عرصه سیاسی و اجتماعی به نفع کارگران و معلمان و پرستاران و سایر زحمتکشان شهر و روستا ایجاد کند. قشر بالائی حاکمیت که در نقش کارگذار و سهامدار کوچک انحصارات خارجی نقش ایفاء خواهد کرد، تلاش خواهند کرد زمینه های کسب سود حداکثری را برای انحصارات امپریالیستی فراهم کنند و این به مفهوم تغییرات ارتجاعی در قوانین در جهت ایجاد امنیت برای سرمایه، چه در عرصه اقتصادی و چه در عرصه های سیاسی و اجتماعی، لغو کامل خدمات دولتی و اجتماعی در همه عرصه ها، خصوصی سازی در همه عرصه ها و، لغو تعرفه های گمرکی و... است.

شرکتهای پیمانکار که کارگران به حق نام آنها را شرکتهای برده داری گذاشته اند و با قراردادهای سفید امضاء در حال حاضر شیره جان اکثریت کارگران ایران را می کنند؛ در آینده نزدیک در عرصه آموزش و پرورش و بهداشت و درمان نیز با قراردادهای مشابه، شیره جان معلم و پرستار را بیش از پیش خواهند مکید؛ و ضمن ایجاد پراکندگی هر چه بیشتر در صفوف آنها، با قراردادهای دلخواه و تحمیلی، شرایطی به مراتب بدتری برای آنها فراهم خواهند کرد. خلاصه اینکه پی آمدهای تسلیم نامه وین برای کارگران و زحمتکشان و از جمله معلمان محصولی جز بدتر شدن وضعیت معیشتی و اجتماعی در پی نخواهد داشت.

به دنبال اعتراضات معلمان به حقوقهای زیر خط فقر و تبعیض حقوقی با سایر کارمندان دولتی و ممانعت از فعالیت تشکلهای صنفی مستقل آنها و زندانی کردن نمایندگان و فعالین سندیکائیشان در دهم اسفند و ۲۷ فروردین و ۱۷ اردیبهشت که به صورت سراسری و در بیش از ۱۸۰ شهر ایران برگزار شد؛ روز چهارشنبه ۳۱ تیر به منظور پیگیری خواستهایشان و در اعتراض به زندانی شدن همکاران و فعالین سندیکائیشان، در مقابل مجلس در تهران تجمع "سکوتی" را برگزار کردند که با یورش نیروهای سرکوبگر انتظامی و امنیتی روبرو گردیده و منجر به دستگیری و بازداشت بیش از ۱۳۰ نفر از آنها شد.

محمد رضاخواه، عضو کانون صنفی معلمان ایران امروز چهارشنبه ۳۱ تیر به خبرگزاری ایلنا گفت: "از اولین ساعات برگزاری جلسه علنی مجلس، معلمان به سمت محل برگزاری تجمع آمدند که نیروی انتظامی مانع از برگزاری تجمع شد." آقای رضاخواه با ذکر اینکه از دو هفته پیش برای برگزاری این "تجمع سکوت" برنامه ریزی شده بود، افزود: "فرهنگیان در این تجمع از نقاط مختلف کشور از جمله کردستان، کرمانشاه، همدان، اصفهان، گیلان، مازندران، مشهد به تهران آمده بودند." در بیانیه ای که توسط ۳۱ انجمن اسلامی دانشگاههای مختلف در حمایت از خواستهای معلمان صادر شده از جمله چنین می آید: "جناب وزیر!

آیا خبر دارید در فصل بهار به معلمان زندانی، سه تن دیگر افزوده شده است؟ اینها جزئی از معلمان نمونه این سرزمین هستند و تنها حقوق همصنفیان خود را مطالبه کرده اند. آیا تا کنون برای آزادی این عزیزان اقدامی کرده اید؟ آیا از وضعیت زندگی خانواده های آنها و مشکلاتشان مطلع هستید؟ و آیا از احضار پی در پی فرهنگیان شهرستانها توسط نهادهای امنیتی آگاه هستید؟

آیا سخنان خود را در روزهای اول وزارت به خاطر دارید؟ گفتید: «فرهنگ امنیتی را به امنیت فرهنگی تبدیل می‌کنم.» آیا برای این وعده خود برنامه‌ای به کار بسته یا دست‌کم تدوین کرده‌اید یا تنها شعاری بیش نبود.

رئیس محترم جمهور در تبلیغات انتخاباتی خود فرمودند که نگاه امنیتی به نهادهای مدنی و تشکلهای غیردولتی را برمی‌دارند تا آن‌ها آزادانه فعالیت کنند؛ مصادیق فساد را نشان خواهند داد و برای رفع ایرادات، نواقص و مفاصل تلاش خواهند کرد. جنابعالی در حوزه فعالیت تشکلهای صنفی فرهنگیان و برای ایجاد امنیت فعالان آن چه اقداماتی انجام داده‌اید. آیا تا کنون اقدامی در جهت باز نمودن فضای خفقان حاکم بر دانشگاه‌ها و تسهیل فعالیت تشکلهای دانشجویی در پردیس‌های این دانشگاه‌ها نموده‌اید؟

معلمان شریف و زحمتکش ایران و به خصوص فعالین سندیکائی آنها باید به این نکته توجه داشته باشند که با تجمع " سکوت " چیزی حاصل نمیشود. در عرصه تقابلات و منازعات طبقاتی، عامل تعیین کننده " زور " و " قدرت " است؛ قدرت شما در اتحاد و همبستگی و تشکیلات شماسست و از طریق اعتصاب و کسب حمایت دانش آموزان و دانشجویان و خانواده های آنها و سایر تشکلهای صنفی کارگران و زحمتکشان، با روحیه ای رزمی میتوانید خواستهای خود را به حاکمیت تحمیل کنید. با تجمع " سکوت " چیزی به دست نمی آید. مبارزه با سیاستهای اقتصادی نئولیبرالیستی و با خصوصی سازی آموزش و پرورش یکی از عرصه های مهم و اصلی مبارزات شماسست که هم در جهت منافع معلمان و هم کارگران و سایر زحمتکشان است. درس پایه ای شما به دانش آموزان، ضرورت اتحاد و همبستگی و تشکیلات و مبارزه با استبداد و بی عدالتی است و شما باید در عمل الگویی متناسب با این درس برای آنها باشید.

ابرشرکتهای بین المللی وارد ایران میشوند

سخن بر سر غارت است و نه آبادانی ایران

فورا، پس از توافقنامه وین و پذیرش قرارداد پروتکل الحاقی، دهها شرکت بزرگ امپریالیستی آلمانی، فرانسوی... راهی ایران شده اند. رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بهترین قراردادهای تحمیلی و استعماری را از میان مجموعه قراردادهای استعماری انتخاب می کند.

سخن بر سر غارت است و نه آبادانی ایران و آسایش مردم میهن ما. ابرشرکتها بر سر تحمیل قراردادهای استعماری و چسباندن زالوهای مکنده به بدن نحیف ایران رقابت می کنند. آنها می خواهند با رشوه و فشار، بهترین سهم غارت را ببرند. سخن بر سر تامین منافع مردم ایران نیست، سخن بر سر صنعتی کردن ایران نیست، بر سر مستعمره کردن ایران است. باید این عوامفریبی "اصلاح طلبان" و "اصولگرایان" و چپ های بی افق و اپورتونیست را که این توافق تسلیم طلبانه و تحمیلی را مثبت ارزیابی میکنند افشا ساخت. خواست روحانی که درهای کشور را بگشاید، بر روی سرمایه داران آلمان نیز موثر است. طبق رسانه های آلمان، اوایل هفته آینده دهها شرکت بزرگ چون لینده، زیمنس، مرسدس دایملر، باسف، فولکس واگن، جی آی زد (GIZ) و... وارد تهران می شوند.

به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، حسین اسماعیلی، مدیرکل اروپا، آمریکا و همسایگان دریای خزر وزارت نفت با اشاره به سفر هفته آینده هیئت آلمانی به تهران با بیان این که سفر این هیئت، نخستین سفر یک هیئت بلند پایه اروپایی بعد از توافق ایران و ۱+۵ به تهران است، گفت: «آلمانها به عنوان بزرگترین شرکای تجاری ایران قبل از تحریم، از توانمندی بالائی در زمینه های مختلف صنعتی برخوردار هستند.» وی با بیان این که در این سفر، ۱۰ شرکت از بزرگترین شرکتهای آلمانی به همراه تعداد زیادی از شرکتهای کوچک حضور دارند، افزود: «توانمندی این شرکتها در زمینه تکنولوژی و تامین تجهیزات بسیار بالاست.»

اسماعیلی درباره برنامه این هیئت در ایران هم اظهار کرد: «همزمان با سفر این هیئت تجاری، سیاسی، اقتصادی هماهنگی لازم با اتاق بازرگانی ایران، بخش خصوصی، بخش دولتی برای انجام مذاکرات سازنده انجام شده است و آنها قرار است با وزیر نفت، وزیر امور خارجه، وزیر صنعت، معدن، تجارت، وزیر نیرو، اعضای اتاق بازرگانی ایران دیدار و گفتگو کنند.»

اسماعیلی درباره این که آیا در این سفر قراردادی مابین دو کشور امضاء خواهد شد، تصریح کرد: «قطعا عقد قرارداد و شروع مذاکره نیازمند زمان است اما این سفر می تواند شروع خوبی برای آغاز همکاریها و عقد قرارداد باشد.»

وی مهمترین هدف این سفر را آشنایی بخش خصوصی و دولتی دو کشور از توانمندی یکدیگر اعلام کرد و درباره درخواست دیگر کشورها برای حضور در ایران هم گفت: «هم اکنون در خواستهای زیادی از کشورهای اروپایی برای حضور در ایران وجود دارد که بعد از تایید و نهایی شدن اعلام خواهند شد.»

مدیرکل اروپا، آمریکا و همسایگان دریای خزر وزارت نفت درباره توافق نامه روز گذشته ایران و ۱+۵ هم گفت: «سفر هیئت آلمانی به ایران نشان دهنده موثر بودن این توافقنامه است و این توافق نامه مسیر را برای حضور شرکتها و سرمایه گذاران به ایران هموارتر می کند.»

قابل ذکر است که یک هیئت ۶۰ نفره آلمانی نیز به ریاست زیگمار گابریل، قائم مقام صدراعظم آلمان که همزمان وزیر اقتصاد و انرژی این کشور نیز هست، اواسط هفته آینده برای گسترش روابط سیاسی، تجاری و اقتصادی و به دعوت بیژن زنگنه، وزیر نفت وارد تهران می‌شوند.

توافقنامه خفت آور و تحمیلی وین نه بسود مردم ایران بلکه به منظور بقاء جمهوری اسلامی و به زیان منافع ملی ایران بسته شده است، هیچ جای شادمانی ندارد. همانگونه که حزب ما پیش بینی می‌کرد، اختلافات ایران با آمریکا تنها بر سر مسئله هسته ای ایران نبود. مسئله هستی بهانه ای برای مهار ایران در قالب مبارزه با "بمب موهوی اتمی" ایران بود و بعنوان عامل فشاری برای تسلیم ایران به امپریالیستها مورد سوء استفاده قرار می‌گرفت. بخشی از اپوزیسیون به ظاهر "انقلابی" ایران نیز در خدمت امپریالیسم به کار گرفته شده بود. نیت امپریالیسم در آن بود که جای پای محکمی در ایران مانند زمان شاه باز کند و ثروتهای ملی ایران را چپاول کند. این توافقات نواستعماری که به منظور غارت ایران، برای دست یافتن به نیروی کار ارزان و نفوذ در بازار ایران و در رقابت با چین و روسیه صورت گرفته است به هیچ وجه مورد تائید و حمایت کارگران و زحمتکشان ایران قرار نخواهد گرفت. تصویب قرارداد پروتکل الحاقی در مجلس شورای اسلامی تائید رسمی یک قرارداد تحمیلی و یک خیانت تاریخی به مردم ایران است.

مردم ایران و همه مارکسیست لنینیستها، نیروهای انقلابی و ملی و دمکراتیک و مترقی و آزادیخواه ایران امضای قرارداد پروتکل الحاقی و انعقاد چنین سیاست نواستعماری و ضد ملی را محکوم میکنند و انزجار خود را ابراز میدارند. راهی را که نظام سرمایه داری و ضد مردمی جمهوری اسلامی بر گزیده است، راهی است که ایران را ویران تر و به زانده امپریالیسم جهانی و به کشوری تحت سلطه بدل خواهد کرد.

حزب کار ایران (توفان) قاطعانه از پیکار کارگران و زحمتکشان و همه آحاد مردم ایران برای کسب آزادیهای سیاسی و اجتماعی و حقوق دمکراتیک دفاع می‌کند و بر پیوند این مبارزه با مبارزه همه اقشار و طبقات ضد امپریالیسم، علیه نفوذ امپریالیسم و قراردادهای استعماری پای می‌فشارد. اتحاد عملهای متنوع نیروهای سیاسی در دفاع از دمکراسی و حقوق دمکراتیک و آزادی بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و... بدون جهت گیری روشن علیه امپریالیسم و محکومیت قراردادهای ضد ملی و ضد منافع خلقهای ایران، کژراهه رفتن و به نفع نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی و خاک در چشم مردم پاشیدن است و بس. تنها با چنین دورنمایی است که می‌توان همکاریهای سیاسی مشترکی را سامان داد، به نیرو تبدیل شد و در صف مقدم مبارزه ضد امپریالیستی، ضد سرمایه داری و ضد ارتجاعی قرار گرفت.

خیانت «الکسیس سیپراس» و تشدید مبارزه طبقاتی در یونان

یکم اینکه، هنوز چند روزی از رای منفی قاطع مردم یونان به بسته ریاضت اقتصادی نئولیبرالیستی تروئیکا، یعنی مخالفت روشن به سیاستهای تحمیلی و ضد بشری صندوق بین‌المللی پول، کمیسیون اروپا و بانک مرکزی اروپا مبنی بر ادامه خصوصی سازیها، اخراج سازیها و صرفه جوئی‌های عریان نگذشته بود که نخست وزیر "چپ" یونان الکسیس سیپراس برخلاف نظر اکثریت مردم، مردمی که به وی اعتماد کرده و امید بسته بودند که او در مقابل فشارهای اتحادیه اروپا بایستد و به زورگوئیهای ناهنجار و دیکتاتوری نئولیبرالها نه بگوید، پیشنهاد وام دهندگان تروئیکا را در ازای دریافت ۸۶ میلیارد یورو کمک مالی، پذیرفت و عملاً تف به رای مردم انداخت و به ورطه خیانت در غلطید. الکسیس سیپراس نشان داد که وی چپ رفرمیستی است که توان و خواستگاهش خارج از چهارچوب اتحادیه نئولیبرالی اروپا نیست و نمی‌تواند مرد روزهای سخت طبقاتی باشد. سوسیالیسم سیپراس، سوسیالیسم نوع بی بو و خاصیتی با ماهیت سازش طبقاتی است و تسلیم وی هم باید در همین چهارچوب مورد تبیین قرار گیرد. اینکه سیپراس نیت خیری دارد یا نه و یا سوسیالیسم اش در کهکشانش در پرواز است و برای مردمش دعای خیر می‌کند، ربطی به ماهیت و واقعیت جایگاه طبقاتی او ندارد. الکسیس سیپراس یک رفرمیست منشعب از اوروکمونیزم یعنی ضد کمونیسم و ضد دیکتاتوری پرولتاریا و ضد سوسیالیسم به معنای الغای مالکیت خصوصی بر ابزار تولید است. اهداف و آرمان و آرزوهای وی چیزی جز اصلاح بورژوازی نئولیبرال آنهم در چهارچوب اتحادیه پولی اروپا نیست. گناهی هم ندارد. زیرا هر کس با هر انگیزه ای با کمونیسم و دیکتاتوری پرولتاریا درافتد راهی جز پذیرش دیکتاتوری مالی امپریالیستی ندارد. به قول لنین یا ایدئولوژی پرولتاریا یا ایدئولوژی بورژوازی شق وسطی وجود ندارد. اینکه امروز حتا بخشهایی از لایه های بورژوازی با سیاستهای نئولیبرالی و افسارگسیختگی اولیگارشلی مالی مخالفند و به صف مردم رانده شده اند و بنام مردم سخن می‌گویند غیر قابل کتمان است. واقعیتی که اکنون نه فقط در یونان بلکه در بسیاری از ممالک اروپایی و در غیاب احزاب نیرومند کمونیستی سوار بر جنبش اعتراضی ضد نئولیبرالیستی شده و در لباس "چپ نوین" بخشی از کارگران را بدنبال خود کشانده اند.

دوم اینکه، اکنون در شرایطی طرح خانمان برانداز اتحادیه اروپا توسط دولت الکسیس سیراس به اجرا در می آید که بیش از یک میلیون شغل در اثر سیاست خصوصی سازیهای شعب تولیدی و خدماتی از گردونه خارج شده و با کاهش دستمزدها بخش بزرگی از کارگران به زیر خط فقر سقوط کرده و به گرسنگی محکوم شده اند. بیش از یک سوم از اهالی جامعه فاقد بیمه اجتماعی اند و قریب به ۶۰ درصد از جوانان کشور از بیکاری در رنجند. بیش از ۴۰ درصد از حقوق بازنشستگی اقسار کم درآمد جامعه کاهش یافته و سالمندان یونانی فاقد حداقل حقوق بازنشستگی برای ادامه حیات خویشند. تعداد مرگ و میر در میان کودکان نیز بخاطر سوء تغذیه روبه افزایش است و بنابر آمارهای رسمی نرخ مرگ و میر کودکان در یونان به ۴۳ درصد افزایش یافته است. خودکشی در بین مردم ویژه جوانان و بیماریهای روحی شدت افزایش یافته است..... حال در چنین اوضاع و احوالی دولت یونان مجبور گشته است تا ۵۰ میلیارد یورو در عرصه خصوصی سازیها از جمله به حراج گذاشتن جزایر متعدد ریز و درشت یونان، افزایش سن بازنشستگی، تغییر سامان بازنشستگی، تغییر پیمانهای دسته جمعی، افزایش مالیاتها، ممنوعیت حق اعتصاب، افزایش مالیات غیر مستقیم و..... صرفه جوئی کند و سیاست تعرضی را در پیش گیرد. بدهی دولت یونان قریب به ۳۳۰ میلیارد یورو است که ۷۸ درصد از آن بدهی به تروئیکاست. طبق گزارش گاردین از ۲۴۰ میلیارد یورو کمک مالی در سالهای ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ میلادی به یونان بخش کوچکی به صندوق دولت واریز شده و بخش اعظم آن به حساب بانکهای بزرگ یونان و آلمان و فرانسه ریخته شده است. این بدان معناست که وامهای پرداختی نه به حساب مردم، بلکه به حساب بانکها و سرمایه داران بانکی و مالی و دلالتان بورس و بروکراتها و تکنوکراتهای بالایی واریز می شود و کارگران و زحمتکشان جامعه باید این وامهای تحمیلی را همراه با بهره بالا از طریق کاهش قدرت خرید و تشدید استثمار و گرسنگی و وخیم شدن بهداشت و درمان و آموزش..... بپردازند. شایان توجه است که کشور یونان بخاطر عضویت در پیمان نظامی ناتو ۴ میلیارد دلار در سال هزینه نظامی دارد یعنی ۲,۲ درصد از تولید ناخالص ملی این کشور. این درحالیست که ۱,۲ درصد از تولید ناخالص ملی آلمان صرف هزینه نظامی این کشوری شود. با این قیاس ساده می توان سہلتر به علل ورشکستگی اقتصاد یونان پی برد.

سوم اینکه، اتحادیه اروپا برای تحمیل کردن اصلاحات ارتجاعی بر مردم یونان از همان ابتدا به نتیجه همه پرسی دمکراتیک مردم دندان نشان داد و با سیاست مشتهای آهنین به استقبال الکسیس سیراس رفت و کوچکترین قدمی به عقب ننشست، تا درسی باشد برای احزاب مشابه "چپ" در کشورهای اسپانیا و پرتغال.... و مردمانی که از سیاستهای نئولیبرالی به سئوه آمده و نشانه هایی از خطر شعله ور شدن اعتراضات اجتماعی و در نتیجه خروج احتمالی از حوزه پولی یورو در این کشورها به چشم می خورد. بر همین اساس اتحادیه اروپا و در اسش خانم آنجلا مرکل به مخالفت با وزیر سابق دارایی یونان یونانیس وارفاکیس که جسورانه انتقادهایی را علیه اتحادیه اروپا طرح کرده بود پرداخت و الکسیس سیراس را وادار نمود تا وی را برکنار و کسی را به جای او بنشانند که مراسم با "روح دیپلماسی و فرهنگ و سنت اتحادیه اروپا" سازگار باشد. خوب است قبل از نتیجه گیری از این مقاله و آموزش از آنچه در یونان رخ داده است به مطالبی که یونانیس وارفاکیس اخیراً در سایت خود در مورد اوضاع یونان انتشار داده و کودتای کنونی را مشابه کودتای نظامی سرهنگان در ۱۹۶۷ تحلیل کرده است نظری بیافکنیم تا به عمق این فاجعه بهتر پی ببریم:

"در ساعتها و روزهای آینده در مجلس خواهم بود تا قوانین جدید را که بخشی از خواستهای اخیر نشست سران یورو در رابطه با «یونان» است، کنترل کنم. منتظرم تا شخصاً از رفیق خود الکسیس سیراس و اقلیدس تساکالوتوس که در روزهای اخیر فشار زیادی را تحمل کردند، بشنوم. تا آن هنگام از ابراز نظر قطعی در مورد تغییرات قانون خودداری خواهم کرد. ولی تا آن وقت بیان چند نکته در بیانیه نشست سران یورو لازم به نظر می رسد.

شبح یک قرارداد جدید ورسای در اروپا در گذر است. من این عبارت را در بهار سال ۲۰۱۰ به کار بردم تا اولین «برنامه نجات» را که برای یونان آماده می شد، توصیف کنم. اگر این تشبیه در آن زمان زیاد با اوضاع انطباق نداشت، متأسفانه امروز توصیف دقیق وضعیت است.

• اتحادیه اروپا تاکنون هرگز تصمیماتی اتخاذ نکرده بود که تا این حد پرنسپهای اساسی روند همگرایی اروپایی را مدفون کرده باشد. رهبران اروپا با رفتار خود در مقابل الکسیس سیراس و دولت ما ضربه قطعی به پروژه اروپایی وارد ساختند.

• پروژه همگرایی اروپایی در روزهای اخیر صدمه زیادی خورد و همان طور که پل کروگمان به درستی تأکید کرد: هر نظری هم که بخواهیم در مورد سیریس و یا یونان داشته باشیم، این یونان و سیریس نبودند که رؤیای یک اروپای دمکراتیک و واحد را به قتل رساندند.

• در سال ۱۹۷۱ اقتصاددان کامبریچ، «نیک کالدور» هشدار داد که انتخاب یک وحدت ارزی قبل از یک وحدت سیاسی احتمالاً نه تنها وحدت ارزی را به شکست خواهد کشاند، بلکه حتا تلاشی پروژه وحدت سیاسی را نیز به خاک خواهد سپرد. چندی بعد در سال ۱۹۹۹ جامعه شناس انگلیسی/آلمانی «رالف داهرنورف» هشدار داد که اتحادیه ارزی و سیاسی، بیش تر اروپا را به نفاق خواهد کشاند تا به وحدت. در طول همه این سالها امید داشتم که حق با آنها نباشد. اکنون نیروهای فعال در بروکسل، برلین و فرانکفورت عزم کردند تا این نظرات را به اثبات برسانند.

• بیانیه دیروزی همایش سران اروپایی، شبیه به سند شرایط کاپیتولاسیون یونان بود. این به معنای بیانیه ای است که تأیید می کند که یونان موافقت می کند، دست نشانده گروه یورو باشد.

• بیانیه دیروز صبح نه ربطی به اقتصاد دارد و نه قرابتی با هیچ نوع نگرانی در مورد نحوه و نوع رفرم‌هایی که بتواند یونان را از این ورطه بیرون آورد. این بیانیه تنها و تنها مبین سیاست تحقیر یونان است. حتی اگر کسی از دولت ما نفرت هم داشته باشد، باید بپذیرد که لیست درخواست‌های گروه یورو از حیطه ادب و منطق بسیار دور است.

• بیانیه دیروز گروه اروپا مبین لغو کامل حاکمیت ملی یونان است، بدون آن که یک نهاد سیاسی مافوق ملی و تمام اروپایی جایگزین آن نماید. بهتر است اروپایی‌ها، حتی آنانی که نسبت به یونان احساس مسئولیتی نمی‌کنند، محتاط باشند.

• رسانه‌ها وقت و انرژی زیادی صرف این مسایل می‌کنند که آیا شرایط کاپیتولاسیون از سد پارلمان عبور خواهد کرد و آیا و به ویژه نمایندگانی مثل من در خط خواهند ماند و قوانین لازم را مورد تأیید قرار خواهند داد. فکر نمی‌کنم که این مسایل زیاد جالب باشد. مهمترین سؤال این است: آیا اقتصاد یونان قادر خواهد بود تحت این شرایط بهبود یابد؟ این‌ها مسایلی است که مرا در نشست‌های آینده پارلمانی در ساعت‌ها و روزهای آینده به خود مشغول خواهد داشت. بزرگترین نگرانی این است که یک کاپیتولاسیون کامل از طرف ما بحران بی‌پایان موجود را حتی تعمیق خواهد کرد.

• جلسه اخیر سران اروپا در واقع نقطه اوج یک کودتا بود. در سال ۱۹۶۷ نیروهای خارجی برای از بین بردن دموکراسی در یونان از تانک استفاده کردند. من طی مصاحبه‌ای با فیلیپ آدامز در ABC Radio Nationals گفتم که در سال ۲۰۱۵ یک کودتای دیگر توسط قدرت‌های خارجی صورت خواهد گرفت. این بار نه با تانک، بلکه به کمک بانک‌های یونانی. مهم‌ترین تفاوت اقتصادی این دو کودتا این است که در سال ۱۹۶۷ ثروت‌های ملی یونان هدف قرار نگرفت. در سال ۲۰۱۵ نیروهایی که در پس این کودتا قرار دارند خواستار تحویل باقیمانده ثروت‌های کشور هستند تا صرف بازپرداخت بدهی‌های غیرقابل پرداخت و ناپایدار ما شود."

-مطلب فوق از زبان وزیر سابق دارایی یونان نشان می‌دهد که مبارزه طبقاتی در یونان تشدید یافته و دشمنان طبقاتی بیرحمانه و با توسل به تمام ابزارهایی که در دست دارند در مقابل مردم و بویژه پرولتاریا و زحمتکشان صف آرایی کرده و به احدی رحم نمی‌کنند. اگر کودتای سرهنگان با توسل به نیروی نظامی سرکوب می‌کرد و جان مردم را می‌گرفت کودتای اتحادیه اروپا با توسل به اهرمهای اقتصادی و گرسنگی دادن جان مردم را می‌گیرد.

-اوضاع بحرانی یونان نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا و حوزه پولی یورو، اتحادیه شرکتهای غول پیکر و اولیگارش‌های مالی و در راس آن آلمان و فرانسه برای رقابت با سایر امپریالیست‌ها بر سر غارت و استثمار کارگران و زحمتکشان است و لولای درفش بر نئولیبرالیسم می‌چرخد. عضویت در این اتحادیه و حوزه پولی یورو برای یونان و هر کشور مشابه به مثابه سم ماری است که بر پیکر جامعه تزریق شود.

-اوضاع بحرانی یونان نشان می‌دهد که مردم یونان راهی جز خروج فوری از این اتحادیه ندارند و نخستین گام برای رهایی ملی طرد این دستگاه عریض و طویل و اتخاذ یک سیاست ملی و دمکراتیک برای خروج از این بحران است.

-اوضاع بحرانی یونان نشان می‌دهد رفرمیست‌های "چپ" حامی طبقه کارگر فاقد اراده و توان یک مبارزه جدی با بورژوازی امپریالیستی اند. این جریان‌ها رفرمیستی و شبه سوسیالیستی یک گام به جلو بر می‌دارند ده گام به عقب و جنبش را به بیراهه می‌برند و در نیمه راه به پشت مردم خنجر می‌زنند. فقط حزب مارکسیست لنینیست طبقه کارگر است که رسالت رهبری و درهم شکستن ماشین سرکوب بورژوازی و تمام اهرمهای اقتصادی و نظامی او را دارد. راه حل خروج نهایی از بحران یونان، سوسیالیسم است. پرولتاریا با کسب قدرت سیاسی و ملی کردن تمام بانکها و صنایع بزرگ تولیدی و زمین و اموال عمومی و ملغا کردن وامهای اسارت‌بار مالی و بدهی‌های نواستعماری، خروج از پیمان نظامی ناتو و اتحادیه اروپا، سوسیالیسم را در یونان مستقر می‌گرداند. سوسیالیسم است که انسان و نه سرمایه و سود را در مرکز جهان قرارداده، برای رفاه و آینده انسان، جامعه را، با برنامه ریزی بنا می‌کند. پرولتاریا و زحمتکشان یونان راهی جز ادامه نبرد خیابانی و اعتصابات سراسری و تعرض به تمامی جناح‌های بورژوازی ندارند. زنده باد همبستگی با مردم یونان! زنده باد سوسیالیسم!

بیانیه "جنبش برای بازسازی حزب کمونیست یونان ۱۹۵۵-۱۹۱۸" در مورد قرارداد جدید "کمک‌های مالی" به یونان

لگد مال کردن عریان و وحشیانه حاکمیت ملی کشور توسط امپریالیست‌های اتحادیه اروپا بردگی خشونت آمیز مردم با کمک بورژوازی سرمایه داری فرمانبر یونان و احزاب سیاسی آن (بورژوازی کلان، رفرمیست‌ها و فاشیست‌ها) قرارداد جدید تسلیم تمام عیار به اخاذی امپریالیستی نمایندگان اتحادیه اروپا (اساساً آلمان و امارات آن) است و در تضاد کامل با خواست مردم یونان که در رای منفی به عضویت زیان بار یونان در واحد پولی اروپا در همه پرس‌های اخیر بیان شد قرار دارد. هیچ کسی نمیتواند طرحهای اتحادیه امپریالیستی اروپا را برای تعویض حکومتی که توسط رای مردم بر سر کار آمده است با حکومت دیگری بدون انتخابات نبیند، همانطور که در سال ۲۰۱۱ حکومت بانکداری بنام پادپیموس را بر سر کار آوردند.

تنها راه برای طبقه کارگر و مردم یونان تشدید مبارزه طبقاتی بر علیه دخالت‌های امپریالیستی در امور داخلی یونان و بر علیه اقدامات جدید خشن و وحشیانه و ضد مردمی است. همزمان، طرح تشکیل حکومت بدون انتخابات، که بطور آشکار نقض فاشیستی اساسنامه کشور است، را باید در هم کوبید. شعار محوری این مبارزه نمیتواند چیزی جز "خروج فوری از اتحادیه اروپا - اتحادیه اقتصادی و مالی اروپا - حوزه پولی اروپا" باشد.

جنبش برای بازسازی حزب کمونیست یونان ۱۹۵۵-۱۹۱۸
چهارشنبه، ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۵

<http://anasintaxi-en.blogspot.com/2015/07/the-new-bailout-agreement.html>

اعلامیه حزب کار ایران (توفان)

ضرب و شتم و دستگیری در مراسم احمد شاملورا محکوم میکنیم

به گزارش شهروند خبرنگار ایران و ایر، امسال هم همانند سال‌های گذشته جمعی از شاعران و نویسندگان ایرانی در امامزاده طاهر کرج به یاد «احمد شاملو» شاعر و پژوهشگر نامدار ایرانی حاضر شدند تا یاد او را گرامی بدارند. اما نیروی‌های لباس شخصی مرتجع و قمه کش طبق سنت همیشه گیشان مراسم خصوصی و ادبی را با ضرب و شتم و بازداشت مورد حمله قرار دادند. جمهوری اسلامی با این اقدامش یک بار دیگر نشان داد که او دشمن شعر و شاعر مترقی و عدالت‌جوست و کوچکترین عقب نشینی را در مقابل نیروهای مترقی بر نمی‌تابد و آن را فروبازی نظام فاسد و مستبدش می‌بیند.

رژیم جمهوری اسلامی یک بار دیگر نشان داد بدون حضور شعبان بیمخ‌های لباس شخصی و پلیس "امنیت اسلامی" خود را در مقابل اعتراضات اجتماعی و مدنی حتا تجمعات آرام ادبی و فرهنگی ضعیف می‌بیند و پذیرش قرارداد خفت بار الحاقی و سیاست "نرزش قهرمانانه"، نه تنها به فضای باز سیاسی منجر نخواهد شد، بلکه سرکوب داخلی و خفه کردن هر ندای آزادی را تشدید خواهد کرد.

در اینجا خوب است یاد از زنده یاد غلامحسین ساعدی نیز بنمائیم که فرهنگ رژیم جمهوری اسلامی را "فرهنگ کشی" خواند و در پیکار علیه تاریخ اندیشیان حاکم بر اهمیت سلاح فرهنگی بسیار تاکید ورزید:

"در فرهنگ کشی، فرهنگ کش زنده می‌ماند و فرهنگ تازه‌ای را برای بقای خویش پی ریزی می‌کند. آداب و عادات کهنه‌ای را علم می‌کند که اگر از عهد بوق هم گرفته باشد، آخرسر کثافتی را جایگزین فرهنگ پویایی کرده است... برای برانداختن حکومت عزرائیلی تنها با اسلحه جنگی نمی‌شود به میدان رفت. فکر نکنیم که نگهداشتن هنر ایرانی، یعنی پختن قورمه سبزی و شله زرد و یا پهن کردن بساط هفت سین... تنها با "ژ ۳۰"، "یوزی" و "تیربار" نمیشود این چنگال به جان افتاده را برانداخت و از سرش خلاص شد. همه اسلحه‌ها را باید برداشت. تسلیح فرهنگی امر مهمی است. با همه سلاح‌ها باید جنگید و این بختک خیالی را نه، این بختک واقعی را که جز کشتن آرماتی ندارد باید برانداخت. برای برانداختن جمهوری اسلامی، سلاح فرهنگی کاربرد فراوانی دارد، از این اسلحه نباید صرف نظر کرد"

حزب کار ایران (توفان) ضمن دفاع قاطع از شعرا و نویسندگان و پژوهشگران متعهد این عمل وحشیانه را بشدت محکوم میکند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط همه بازداشت شدگان است.

ننگ و نفرت بر حکومت جمهوری اسلامی دشمن علم و دانش!

زنده باد آزادی و سوسیالیسم!

حزب کار ایران (توفان)

شنبه سوم مرداد ۱۳۹۴

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران

تسلیم خفت بار جمهوری اسلامی در حاشیه توافق هسته ای وین

توافق امضاء شده میان ایران و کشورهای عضو گروه ۵+۱، در روز سه شنبه ۱۴ ژوئیه / ۲۳ تیرماه، در واقع ساختار اجرائی توافق لوزان است که رژیم اسلامی پرچم سفید را به اهتزاز در آورده بود. چکیده توافق وین که ادامه و مکمل سند خفت بار لوزان است به قرار زیر می باشد:

"فعالیت های غنی سازی"

بر اساس این توافق که در روزهای آینده باید به تأیید شورای امنیت سازمان ملل متحد برسد، و همچنانکه پیش از این در توافق لوزان آمده بود، ایران دو سوم سانتریفوژهای خود را جمع آوری کرده و زیر کنترل بین المللی قرار می دهد. میزان اورانیوم غنی شده ایران از ۱۰۰۰۰ کیلوگرم کنونی به ۳۰۰ کیلو گرم کاهش خواهد یافت. فعالیت های غنی سازی در مراکز اتمی فردو و نطنز نمی تواند میزان اورانیوم غنی شده ایران را در ۱۵ سال آینده به بیش از مقدار ذکر شده برساند. ایران همچنین به مدت ۱۵ سال حق استفاده از راکتور آب سنگین را نخواهد داشت و فعالیت های مرکز اراک به تولید ایزوتوپ برای مصارف پزشکی و پژوهشی محدود می شود.

کنترل فعالیت های هسته ای ایران

کلیه فعالیت های هسته ای ایران تحت کنترل بین المللی قرار می گیرد. بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی میتوانند همواره از تاسیسات هسته ای ایران بازدید نمایند. مراکز نظامی بصورت برنامه ریزی شده از این قاعده مستثنی نیستند. بعلاوه این آژانس می تواند تحقیقات خود را در باره فعالیت های گذشته ایران در زمینه هسته ای دنبال کند.

تحریم ها و مجازات های برقرار شده علیه ایران

مجازات ها و تحریم های برقرار شده علیه ایران به مرور، تنها به مرور، لغو خواهند شد. برداشتن مجازات ها می تواند، همزمان با اجرای تعهدات پذیرفته شده توسط ایران، از آغاز سال آینده میلادی، کمتر از ۶ ماه دیگر، شروع شود. با این حال تحریم ها در زمینه تسلیحاتی بمدت ۵ سال و در باره موشک های بالیستیک بمدت ۸ سال همچنان پا بر جا خواهند ماند. عدم احترام به مواد توافق نامه، برقراری مجدد مجازات ها را در پی خواهد داشت....."

رژیم جمهوری اسلامی قرار داد الحاقی منع گسترش سلاح های هسته ای را که یک قرار داد اضافی بوده و ربطی به اصل موافقتنامه "منع گسترش سلاح های هسته ای" ندارد امضاء کرده است. این قرار داد را نه روسیه، نه چین، نه آمریکا و نه سایر ممالک دارای بمب اتمی هیچکدام امضاء نکرده اند، ولی همه آنها این قرار داد استعماری را به ایران تحمیل نموده اند. به موجب این قرار داد سازمان های جاسوسی بیگانگان در لباس ماموران آژانس بین المللی انرژی هسته ای که نمونه آن را ما در عراق و ایران شاهد بوده ایم، می توانند هر موقع، بدون درخواست اجازه از دولت ایران، به طور سرزده وارد ایران شده و هر جایی را که خواستند، بدون محدودیت به بهانه اینکه در پی ممانعت از ساختن بمب اتمی هستند بازرسی کنند. این بازرسی شامل همه تاسیسات هسته ای و غیر هسته ای ایران اعم از صنعتی و یا نظامی ایران نیز می شود. چنین خیانتی نقض حاکمیت ملی ایران است و تسلیم خیانتکارانه ای بیش نیست. رژیم جمهوری اسلامی این امر را از مردم ایران پنهان می کند.

آنها پذیرفته اند که اگر "در جهت شفافیت و اعتماد سازی به صورت داوطلبانه پروتکل الحاقی را اجراء کنند، از بار خفت تحمیل آن سند کاسته می شود. در همین عبارت کوتاه جمهوری اسلامی اعتراف کرده است که امپریالیستها قابل اعتمادند و این ایران بوده است که باید شفاف سازی کرده و اعتماد دیگران را به دست آورد. رژیم جمهوری اسلامی به تمام تبلیغات زهر آگین و دروغ های شاخدار جرج بوش و تونی بلر و نتانیاهو در همین دو سه کلمه صحه گذارده است. رژیم جمهوری اسلامی با سرکشیدن جام زهر نشان می دهد که از مردم ایران بیشتر از امپریالیسم و صهیونیسم هراس دارد. آنها برای بقاء خود به آمریکا و اسرائیل تکیه می زنند و این تازه آغاز کار است و باید منتظر تحولات بعدی در عرصه های سیاسی در منطقه بود. حزب کار ایران (توفان) در این باره مجددا سخن خواهد گفت.

حزب کار ایران (توفان)

چهارشنبه ۲۴ تیرماه ۱۳۹۴

www.toufan.org

مصاحبه هئیت تحریریه توفان با حزب کارترکیه پیرامون انتخابات اخیر در ترکیه

پرسش: دلیل اصلی اردوغان و حزب او، که موفقیت حزب دمکراتیک را نمی توانند تحمل کنند، چیست؟

پاسخ: اردوغان و حزب مدت زمانی است که در تکاپوی تغییر قانون اساسی برای گذار به یک نظام ریاست جمهوری تک نفره ای است که همان دیکتاتوری تک حزبی و خودکامه به حساب می آید.

به هیچ عنوان این نظام آن نظامی نیست که در مضمون کلاسیک "نظام ریاست جمهوری" به مردم توصیه می شود. بیشتر به مثابه یک نظام دیکتاتوری است که ما با نمونه هایش در کشورهای امریکای لاتین آشنا هستیم.

از یک سو تحمیل نظام ریاست جمهوری خودکامه و از سوی دیگر حمایت آشکارا از گروه های مذهبی بنیادگرا چون داعش (دولت اسلامی) در خاورمیانه؛ و تشدید دخالت فزاینده انگیزه مذهبی در امور سیاست داخلی؛ موجبات اعتراض مردم را فراهم ساخته است. افزون بر آن وخیم تر شدن وضعیت اقتصادی در کشور و رشوه خواری دولتی از مهم ترین دلایل کاهش ناگهانی آراء حزب عدالت و توسعه بوده اند.

همانگونه که مطلع هستید در کشور ما یک "سد حد نصاب ده درصدی" وجود دارد. این حد نصاب با تغییر قانون اساسی پس از کودتای نظامی ۲ سپتامبر سال ۱۹۸۰ بوجود آمد. این سد "حد نصاب ده درصدی" با هدف جلوگیری از ورود احزاب کارگری، احزاب دمکراتیک کرد ها و دیگر احزاب چپ به پارلمان ایجاد شد.

شرکت این طیف در انتخابات پارلمانی تا سال ۲۰۱۵ به صورت حمایت از نامزدهای مستقل بوده است. به این ترتیب در انتخابات مجلس سال ۲۰۱۱، ۳۶ نفر از نمایندگان مستقل به عنوان نماینده مجلس انتخاب شدند، که تا آن تاریخ بیشترین تعداد بود.

در انتخابات اخیر حزب دمکراتیک خلق ها که تعداد زیادی احزاب و گروه های کوچک چپ نیز در آن شرکت داشتند، به عنوان نمونه حزب ما، در این انتخابات شرکت کرد. به این ترتیب از این مانع گذشتند و توانستند به ۷۰ کرسی پارلمانی دست بیابند.

حزب ما (حزب کار) و دو گروه چپ دیگر به منزله متحدان حزب دمکراتیک خلق از آنها حمایت کردند. اگر حزب دمکراتیک خلق موفق به عبور از این سد حد نصاب ده درصدی نمی شد، تمامی کرسی های مجلس به احزاب بزرگ دیگر می رسید. شاید اگر حزب عدالت و توسعه ۷۰ کرسی پارلمانی بیشتر بدست می آورد، بدون آنکه نیازی به یک ائتلاف داشته باشد به تنهایی قدرت حکومتی را به دست می گرفت و با تغییر در قانون اساسی به تغییر در نظام ریاست جمهوری خودکامه موفق می شد.

ولی در حال حاضر چون حزب دمکراتیک خلق از مرز ۱۰ درصد گذشته و ۸۰ کرسی مجلس ترکیه را در اختیار گرفته کلیه نقشه های حزب عدالت و توسعه نقش بر آب شده اند.

پس از ۱۳ سال حزب عدالت و توسعه قادر نیست به تنهایی دولت تشکیل دهد. به این دلیل است که برای اردوغان و حزب عدالت و توسعه تحمل این موفقیت انتخاباتی حزب دمکراتیک خلق سخت است.

پرسش: در مطبوعات خارجی، حزب دمکرات خلق نماینده خلق کرد قلمداد شده، حزب کار و دیگر سازمانهای دمکراتیک، سازمان های توده ای، اقلیت ها و روشنفکرانی که مبارزات انتخاباتی سازمان دمکراتیک خلق را پشتیبانی کردند و نامزدهای انتخاباتی معرفی کردند. می توانید در این مورد اطلاعات بیشتری را در اختیار خوانندگان ما قرار دهید؟ آیا حزب دمکراتیک خلق یک حزب کردی است یا یک جبهه؟ حزب کار در حزب دمکراتیک خلق چه نقشی را ایفا می کند؟ حزب دمکراتیک خلق چه مطالباتی را مهم می داند و مطالبات مشترک وحدت دهنده تمامی این گروه ها چه خواسته هائی هستند؟

پاسخ: در حزب دمکراتیک خلق بیش از ۳۰ حزب و سازمان، نمایندگان علوی ها، نمایندگان ملتها و خلق های تحت ستم، روشنفکران، هنرمندان، دانشگاهیان، فعالان اتحادیه های کارگری و غیره متحد شده اند.

مطمئناً جنبش دمکرات کردستان دارای بزرگترین نیروی توده ای است و برنامه حزبش بر پایه نگرشهای ویژه و سیاست جنبش کردی تدوین شده است. پایه توده ای اصلی حزب دمکراتیک خلق هنوز هم خلق کرد است، اما حزب دمکراتیک خلق تلاش کرد جنبه "ترکیه ای" به آن ببخشد. این مسئله و یک سری دیدگاه های چپ لیبرالی، اتحاد نمایندگان گروه ها و محافل دمکراتیک مترقی با گرایشات مشابه را مقدر ساخت.

در میان نمایندگان منتخب جدید حزب دمکراتیک خلق، نمایندگان همه این گروه ها و خلق های تحت ستم دیده می شوند. علاوه بر نمایندگان جنبش کرد، نمایندگان حزب ما، نمایندگان گروههای مختلف چپ، نمایندگان آرامنه، نمایندگان ایزدیان، آرامی ها، سنی و رماها (اقلیتهای کولی-مترجم)، نمایندگان علوی ها، دانشگاهیان، فمینیست ها و هنرمندان به پارلمان راه یافتند.

اینکه رأی دهندگان در خارج از مناطق کردستان رأیشان را به جبهه دمکراتیک داده اند، نشانه اراده حزب است که توانست به محدوده ای خارج از حیطه هوادارانش برسد و مورد تأیید آنان واقع گردد.

پایه اصلی برنامه و سیاست حزب جنبش رهایی بخش کردستان است، اما وی در اثر این نیروی توده ای و روش سیاسی خود توانست ثابت کند که تنها نماینده خلق کرد نیست. نشان داد که همزمان حزبی ست که خواست طبقات "بالایی" و "پایینی" خلق کرد و نیروهای ترقیخواه، چپ، حتی عناصر محافظه کار را نیز جلوه گر می سازد. حزب کار نه تنها بعنوان جزئی از نیروهای همپیمان است، بلکه در کار تبلیغات انتخاباتی خود، با حفظ استقلال خط سیاسی، مسیر همه پرسشی را به سمت انتخاب جبهه دمکراتیک خلق هدایت نمود. حزب ما همواره حتی پیش از انتخابات نیز از مردم کرد برای رسیدن به برابری حقوق حمایت و برای دستیابی به خواسته دمکراتیک مردم کرد همراه آنها جنگیده است.

حتی امروز هم "حزب کار" در دفاع از جبهه دمکراتیک جهت بسط و گسترش ائتلاف از طریق حمایت احزاب و سازمانهای مختلف دیگر برای ایجاد یک جبهه متحد دفاع می کند. پیش از این نیز نظریه "جبهه" را، حزب ما مورد بحث و بررسی قرار داده است. به طور خلاصه، حزب ما، از ائتلاف احزاب و سازمان های مختلف، اتحادیه های کارگری، سازمان های توده ای، اقلیت های محروم و تحت ستم، روشنفکران و هنرمندان که متحداً برای یک برنامه حداقل مبارزه دمکراتیک بیکار می کنند، دفاع می کند.

مطالبات و خواسته های ما با آنچه در بیانیه انتخاباتی حزب دمکراتیک خلق آمده است تفاوتش در چهارچوب مطالبات عام سوسیال لیبرالی است که ما در حداقل برنامه خود خواستار آن شده ایم. از این خواسته ها در برنامه مشترک با جبهه دمکراتیک دفاع نشده است. در امر پیشبرد مبارزات انتخاباتی امکان مطالبه خواسته های مشترکی چون متوقف کردن سیاست های متخاصمانه بورژوا-بنیادگرای حزب عدالت و توسعه اردوغان، راه حل های دمکراتیک برای حل مشکلات شهروندان کرد، را برایمان ممکن ساخت. انگیزه حزب ما در حمایت از جبهه دمکراتیک گذشته از خواسته ها و مطالبات، تفاهم و درک مشترک در متوقف ساختن حزب عدالت و توسعه، ایجاد فرصتی برای بازکردن فضای دمکراتیک و تنفس مردم و باز گشایی راه مبارزه طبقاتی بود.

پرسش: چگونه این موفقیت و تاثیر آن را در ترکیه و در منطقه ارزیابی می کنید؟

پاسخ: پیروزی جبهه دمکراتیک، متوقف ساختن حزب توسعه و عدالت امکان مبارزه دمکراتیک در ترکیه و منطقه را افزایش می دهد. نیروهای مبارز می توانند از این فرصت استفاده کنند، در غیر اینصورت انتخابات به خودی خود نمی توانست پیامدهای مثبت در بر داشته باشد. برای مثال حزب عدالت و توسعه نمی تواند چنین بی شرمانه داعش و نیروهای ارتجاعی دیگر را حمایت کند، از این پس به همین آسانی هم نمی توانند اعتصابات را ممنوع و با همان خودسری پیشین، آزادی تجمعات و تظاهرات را سرکوب کنند.

پرسش: آیا امکان آن وجود دارد که اردوغان برگزاری انتخابات جدید را مطرح کند؟ اگر چنین کند، جبهه دمکراتیک خلق چه سیاستی را در پیش خواهد گرفت؟

پاسخ: حزب عدالت و توسعه، حزب عدالت و توسعه قبل نیست. مجبور به عقب نشینی شده است. روند تحلیل رفتن حزب عدالت و توسعه آغاز شده است. به همین جهت، در خواست انتخابات جدید آخرین گزینه حزب توسعه و عدالت خواهد بود. البته ما مسئول سیاست های جبهه نیستیم. وکالت هم نداریم که از طرف آنها اظهار نظر کنیم. در بیانیه پیشنهادی ما پس از انتخابات، تلاش برای گسترش و مشارکت نیروهای جدید و اتحاد در مبارزه دمکراتیک با دیگر سازمان ها بود. پیروزی جبهه دمکراتیک خلق می تواند امکان رسیدن و جلب اعتماد نیروهای جدید در جبهه را فراهم سازد. ما به تلاشمان برای پیوستن نیروهای جدید همچنان ادامه خواهیم دارد. فراموش نباید کرد که زمان انتخابات، نیروی عظیمی از کارگران فلزکار مقاومت و اعتصاب کردند. مبارزات توده های کارگران و زحمتکشان قطعاً تاثیرات مثبت در گسترش اتحاد و برجستگی ویژگی های آن خواهد داشت.

پرسش: اتحادیه اروپا و خصوصاً آمریکا چه دید و مشی را در برابر انتخابات پارلمانی و اساساً پیروزی جبهه دمکراتیک خلق داشته اند؟

پاسخ: اتحادیه اروپا و آمریکا موضع گیری نکرده اند. ولی انتخابات زمانی صورت گرفت که رابطه حزب عدالت و توسعه با آمریکا و امپریالیست های اروپا خیلی خوب نبود.

امپریالیستهای غرب با توجه به منافع سیاسی خود در مصر، و در سوریه، و غیره، از پشتیبانی و حمایت قبلی خود از حزب عدالت و توسعه که در جهت عکس سیاست آنها آغاز شده بود دست بر داشتند. و حتی گاهی نارضایتی خود را نیز نسبت به روش اردوغان آشکار ساختند. روزنامه ها و تلویزیون گروه اردوغان که "رسانه های مرکزی" در کشور را در دست داشته و نمایندگی می کنند، برخلاف انتخابات قبلی حتی به سخنگویان حزب دمکراتیک خلق و حزب جمهوری خواه خلق ترکیه فرصت بیان دیدگاه های خود را دادند.

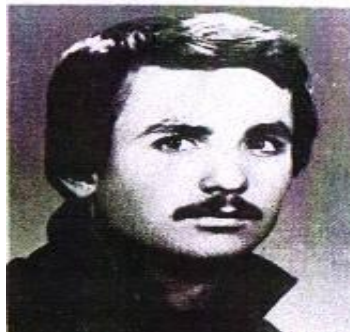
پرسش: چه تغییراتی در جامعه ترکیه اتفاق خواهد افتاد؟ در چه اقسام اجتماعی و تا چه حد این تغییرات تاثیرگذار خواهند بود؟

پاسخ: یک سیاست ناسیونالیستی می تواند از سوی حزب عدالت و توسعه و دولت ائتلافی آتش تنش ها را افزوده و شعله ور کند. اما این فرصتی برای گسترش مبارزه برای دموکراسی و مبارزه طبقاتی خواهد بود. لیکن افزایش فرصت ها در مبارزه برای دموکراسی و مبارزه طبقاتی، به مبارزه انقلابی در ترکیه شتاب می دهد و آنرا تسهیل می کند. چنانچه ما موفق به ائتلافات درستی شویم و تاکتیکهای مناسب اتخاذ کنیم می توانیم فرصتهایی برای نیل به کسب دستاوردهایی برای زحمتکشان و نیروهای دموکراتیک بشویم. فرصتی که در اختیار مبارزان و نیروهای انقلابی قرار خواهد گرفت و به مبارزه آنان سرعت و راحتی بیشتری را در دسترسشان خواهد گذاشت. اگر بتوانیم متحدین جدید به این طیف اضافه کنیم و تاکتیک های مناسب بکار ببریم، می توانیم این فرصت را برای کسب دستاوردهای جدیدی برای زحمتکشان و کارگران به ارمغان بیاوریم. اتحاد، وحدت درست و برنامه و تاکتیک های صحیح در مسیر مبارزه ضامن پیروزی ما می باشد.

هنیت تحریریه توفان: با تشکر از این که به پرسشهای ما پاسخ داده اید، برایتان پیروزی و موفقیت آرزو مندیم
دفتر خارجی حزب کار: ما نیز برای حزبتان پیروزی آرزو میکنیم
(EMEP)

سی و چهارمین سالگرد اعدام رفیق شاهرخ اسفراینی

یادی از رفیق شاهرخ اسفراینی زندانی دو رژیم شاه و شیخ و عضو شاخه کارگری حزب کار ایران (توفان)



رفیق شاهرخ اسفراینی زندگی سیاسی اش را از روزهای انقلاب آغاز کرد. وی یکی از رهبران دانش آموزان و از مؤسسين جامعه‌ی دانش آموزان بجنورد بود و اولین تظاهرات ضد سلطنتی دانش آموزان و دبیران بجنورد توسط او و دوستانش از دبیرستان دانش به پا خواست. رفیق روحی سازش ناپذیر داشت، او با تمامی مسئولین آموزش و پرورش که سد راهش می شدند مقابله می نمود و بارها به همین دلیل از مدرسه اخراج شده بود و از همین طریق تشکیل جلسات دانش آموزی را در سالن دبیرستان خویش کسب کرده بود. او و چندین دوستش به عنوان گرداننده‌ی آکسیون‌های ضد رژیم شناخته شده بودند. ساواک که فکر می کرد با دستگیری این محرکین اصلی می تواند حرکت خروشان خلق را خاموش سازد، حدود ۱۲ تن از دانش آموزان و دانشجویان را از جمله رفیق شاهرخ را دستگیر نمود. اما همزمان آنها در آموزش و پرورش بست نشستند که منجر به آزادی شاهرخ گشت و در همان تحصن بود که رفیق شاهرخ سخنرانی کرد و گفت: "ما در زندان مانند شما مبارزه می کردیم و یک آن شعار دادن از یادمان نمی رفت". روز پیروزی انقلاب، رفیق شاهرخ از جوانان فعالی بود که طرح حمله به شهربانی را پی ریزی کردند. با فرار شاه و رسیدن دوران حفاظت از دستاوردهای انقلاب، از افرادی بود که شب تا صبح به پاسداری از محله‌ی خویش مشغول بود.

پس از افشاء شدن هر چه بیشتر ماهیت واقعی جمهوری اسلامی به سازمان مجاهدین خلق پیوست. اما روح رزمجو و پویای او راهی را می جست که به درستی قوانین تکامل جامعه را بیان نموده و قاطعانه طرفداری خویش را از حکومت طبقه‌ی زحمتکش اعلام دارد و این تفکر را در تشکیلات مارکسیستی - لنینستی حزب کار ایران یافت و از تابستان ۵۹ به فعالیت خویش در بخش کارگری حزب در بجنورد مشغول گشت. رفیق، رادمردی بود که سرسختی بی پایانی از خود نشان داده و هیچگاه تسلیم زورنمیشد. وی به خاطر برخورداری از این روحیه بارها با حزب الهی‌هایی که اقدام به پاک نمودن شعارهای حزب می کردند برخورد کرده بود. او در حین انجام یک کار مشترک به رفقاییش گفته بود: "اگر احیاناً خطری پیش آید شما بروید من می مانم و همه‌ی تقصیرها را به گردن می گیرم". او در سندیکای صنفی - سیاسی نانوائیان شهر عضویت داشت. این سندیکا می بایست حامی صدها کارگر خیابان شهر می شد اما نفوذ حزب توده همیشه مانع فعالیت صحیح و سالم سندیکا بود و وظیفه‌ی مبارزه با این سوسیال مزدوران همیشه به عهده‌ی این رفیق بود. رفیق از عهده‌ی این وظیفه چنان برآمد که در نتیجه هیچیک از کارگران به سیاست دلخوش کننده و فریبکارانه‌ی حزب توده تن نمی دادند. پس از تظاهرات سی خرداد که جو ترور و اختناق در شهر گسترده شد، رفیق شاهرخ مسئولیت برخی تظاهرات‌های شبانه‌ی حزب را در دفاع از دموکراسی بر عهده داشت ولی هیچگاه آن چنان که دستگاه‌های دروغ پردازی رژیم اعلام کردند در حین برخورد با پاسدارن دستگیر نشده و یا رابط مجاهدین نبوده است. رفیق شاهرخ در بیدادگاه‌های رژیم، خود اعتراف نمود که هوادار حزب کار ایران (توفان) است چرا که عده‌ای او را به نام مجاهد می شناختند و سپس با تهدید به مرتجعین گفت: "روزی که من از زندان بیرون بیایم همه شماها از بین رفته‌اید".

رفیق شاهرخ با حفظ شرف و مردانگی زیست و ایستاده مرد. زندانی رژیم شاه به دست جلاخان جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۹ مرداد ۶۰ به جوخه اعدام سپرده شد.

جاویدان باد خاطره‌ی رفیق شاهرخ اسفرائینی

*برگرفته از کتاب مرغان پرکشیده توفان، یادنامه جانباختگان توفانی چاپ دوم اردیبهشت ۱۳۹۳، چاپ اول بهار ۱۳۶۴ *

این یاد نامه چند روز پس از تیرباران رفیق شاهرخ اسفرائینی اواخر مرداد ۱۳۶۰ توسط حزب کار ایران (توفان) در ایران منتشر شد **

گشت و گذاری در فیسبوک

پاسخ به چند سوال

پرسش: آیا حقیقتاً ماهیت نظام شوروی دوران خروشچف و برژنف سرمایه داری بود؟

پاسخ: ماهیت نظام شوروی پس از سلطه رویونیسم نه تنها سرمایه داری بود، بلکه امپریالیستی بود. امپریالیسم نوحاسته روسیه واقعیتی بوده غیرقابل انکار و این پدیده بدنابل انحطاط سوسیالیسم و احیای سرمایه داری در نخستین کشور سوسیالیستی پدید آمد. این امپریالیسم نه محصول دوره گرباچف و پوتین بل با کسب قدرت سیاسی توسط خروشچف و شرکاء پس از کنگره ۲۰ و ۲۲ حزب کمونیست اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی زاده شد. درکشوری زاده شد که درگذشته رهبرانی مانند لنین و استالین به پرولتاریای جهان اهدا کرد، درکشوری که اولین انقلاب سوسیالیستی و ساختمان جامعه‌ای را درپیش گرفت، درکشوری که پرولتاریای جهان آن را بحق میهن سوسیالیستی خود می شمرد و دربرابر حملات دشمنان سوسیالیسم از آن دفاع میکرد، درکشوری که خلقهای ستمدیده جهان آن را در همه حال یاور خود میدیدند و درمبارزات خود بخاطر آزادی و استقلال آنها تکیه گاه نیرومند خود میدانستند. امپریالیسم نوحاسته شوروی بیش از سه دهه با نقاب سوسیالیسم خود را پیرو مارکسیسم لنینیسم مینمایاند، برای نفوذ درکشورها یا درمیان خلقها شعارهای سوسیالیستی و انقلابی سر میداد، به سخن کوتاه بورژوازی نوحاسته چهره امپریالیستی خود را می پوشاند و آن را از انظار پنهان میداشت. گذشته پرافتخار کشور شوراها و رهبران کبیر آن همراه با نقاب سوسیالیسم سرمایه و وسیله نیرومندی بود که به کمک آن پرولتاریا و خلقها را فریب میداد، آنها را در دام خود گرفتار می ساخت در کسوت دوست، گرگی بود درلباس میش، ضد انقلاب رویونیستی و ضد کمونیستی بود درلباس سوسیالیسم. یکی از سفسطه‌های رویونیستها در رد ماهیت امپریالیستی شوروی این بود که مارکسیست لنینیستهای راستین و حقیقت جو را به اثر داهیان لنین " امپریالیسم بعنوان عالی ترین مرحله سرمایه داری رجوع میدادند. استناد آنها به این اثر ارزشمند برای تلقین این بود و همچنان هست که گویا امپریالیسم فقط ازبطن سرمایه داری آزاد بیرون می آید و پایه اقتصادی آن انحصار سرمایه داری است. بدون انحصار سرمایه داری سخنی هم از امپریالیسم نمی تواند به میان آید و سپس از این نتیجه میگرفتند و همچنان میگیرند که امپریالیسم نتیجه تکامل سرمایه داری است و سوسیالیسم، امپریالیسم نمی زاید و "سوسیال امپریالیسم زاده مائونیستهای منحرف است."

لیکن لنین در اثر خود این نکته را روشن میکند که چگونه سرمایه داری آزاد ناگزیر در تکامل خود به انحصارها و به امپریالیسم منتهی میشود، چگونه انحصار سپس با دولت بورژوائی درمی آمیزد و دولت بورژوائی را به تبعیت کامل از انحصارها در می آورد یعنی چگونه سرمایه داری انحصاری دولتی بوجود می آید. از کتاب لنین کبیر هرگز این نتیجه بی نمی آید که امپریالیسم از مبدا سوسیالیسم و از انحطاط آن نمی تواند برخیزد. برعکس لنین همواره خطر بازگشت سوسیالیسم را به سرمایه داری گوشزد کرده و حزب و دولت شوروی را از آن برحذر داشته است. لنین می آموزد که در دوران انتقال سرمایه داری به کمونیسم که دولت آن جز دیکتاتوری پرولتاریا نیست برای دشمنان ناگزیر امید بازگشت باقی می ماند و این امید به تلاش برای بازگشت می انجامد. استالین نیز نه تنها بازگشت سرمایه داری را نفی نمیکند برعکس آن را با قوت بیشتر متذکر میشود:

"آیا در نزد ما، در کشور شورائی ما، شرایط مقدماتی که احیای سرمایه داری را ممکن گرداند وجود دارد/ آری وجود دارد، این امر ممکن است عجیب بنظر آید، معذالک واقعیتی است."

معنی اینها همه آن است چنانچه راه بازگشت سرمایه داری مسدود نگردد، سوسیالیسم به فقرا بر خواهد گشت و به استقرار نظام کهنه خواهد انجامید و در شوروی نیز چنین رخ داد.

سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان تحت رهبری آموزگاران جسور و بزرگ کمونیستی چون رفقا احمد قاسمی و دکتر غلامحسین فروتن رهبران اسبق حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، نخستین سازمان کمونیستی ایران بود که پرچم مبارزه علیه خروشچفیسیم و احیای سرمایه داری را برافراشت و ماهیت امپریالیسم نوحاسته شوروی را از جهات گوناگون اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی و اجتماعی با انتشار کتب و مقالات تحقیقی و تئوریک مورد بررسی قرار داد و فروپاشی آنرا پیش بینی نمود. مقالات و کتب تحقیقی سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان برواقعیتهای کشور شوروی و رفرمهای اقتصادی و اجتماعی که طی بیست سال در آن صورت گرفت با اسلوبی علمی تدوین و تالیف گردید و نسلی از جوانان ایران را در پیکار علیه رویزیونیسم برای پاکیزگی مارکسیسم لنینیسم آموزش و سازمان داد.

مارکس و فلسفه مرکزیت

پرسش: آیا کمون پاریس با طرح این مسئله که مجلس ملی از نمایندگان منتخب مجلسهای ایالتی و ولایتی که به نوبه خود از نمایندگان کمونها تشکیل می گردند مخالف مرکزیت و خواهان فدرالیسم بود؟

پاسخ: خیر، فدرالیسم محصول اصولی نظریات خرده بورژوائی آنارشسیسم است. مارکس طرفدار مرکزیت است. خورد کردن ماشین دولتی و نابود کردن مرکزیت بورژوائی را نباید با فدرالیسم اشتباهی گرفت. اگر پرولتاریا قدرت دولتی را بدست گیرد و در نهایت آزادی در کمونها متشکل شوند و فعالیت همه کمونها را در امر وارد ساختن ضربه بر پیکر سرمایه زد در هم شکستن مقاومت سرمایه داران و واگذاری مالکیت خصوصی راه های آهن، کارخانه ها، زمین و غیره به همه ملت، به همه جامعه متحد سازند، در آن صورت آیا این مرکزیت نخواهد بود؟ آیا این خود پیگیرترین مرکزیت دمکراتیک و آنهم مرکزیت پرولتاریای، مرکزیت آگاهانه نخواهد بود؟ مارکسیسم لنینیسم هوادار مرکزیت داوطلبانه، تجمع داوطلبانه کمون ها بصورت یک ملت و اتحاد داوطلبانه کمون های پرولتری برای برانداختن سیادت بورژوازی است و ماشین دولتی بورژوائی امکان پذیر است. تصور بورژوازی از مرکزیت، مرکزیتی از بالا و فقط صاحبمنصبان دولتی و نظامیان می توانند آن را تحمیل و حفظ کنند. مرکزیت بورژوازی مرکزیتی غیر دمکراتیک، نظامی و بروکراتیک است.

حاکمیت رویزیونیسم، دیکتاتوری بورژوائی است و نه دیکتاتوری پرولتاریا

توفان شماره ۱۸۵ مردادماه ۱۳۹۴ ارگان مرکزی حزب کار ایران منتشر شد.

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترتسکیسم و شبه ترتسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

پاره‌ای از انتشارات جدید در کتابخانه اینترنتی توفان:

*توهین به مقدسات ادیان و برخورد به تروریسم از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

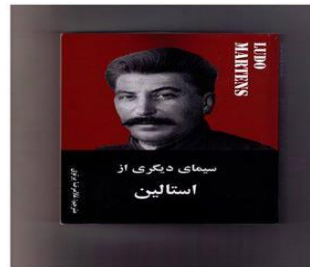
*"سیمای دیگری از استالین" نوشته "لودو مارتنس"

*تحریف کنندگان تاریخ، سندی تاریخی از انتشارات دفتر اطلاعاتی شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

*درافشای ماهیت "حزب کمونیست کارگری ایران" در دو جلد از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

* مرغان پرکشیده توفان. جانبختگان توفان. چاپ دم اردیبهشت ۱۳۹۳

*



آدرس سایتها و وبلاگهای مرتبط با حزب

www.toufan.org

لینک چند وبلاگ حزبی

وبلاگ توفان قاسمی

<http://rahetoufan67.blogspot.se/>

وبلاگ ظفر سرخ

<http://kanonezi.blogspot.se/>

وبلاگ کارگر آگاه

<http://www.kargareagah.blogspot.se/>

کتابخانه اینترنتی توفان سایت

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

توفان سایت آرشیو نشریات

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

تویتر توفان در

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

دست امپریالیستها و صهیونیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!